

نگاهی گذرا به تاریخ نگاری در فرهنگ تشیع

رسول جعفریان

تاریخنگاری شیعه در آغاز عصر تدوین

شیعیان همزمان با سایر مسلمانان کار خود را در عرصه تدوین دانشهای اسلامی آغاز کردند. یکی از این دانشها، تاریخ بود. در کنار جنبش تاریخنگاری عراق، شیعه نیز فعالیت خود را آغاز کرده و در آن جنبش مساهمت و همکاری کرد. صرف نظر از شیعیان عراقی^۱ همانند ابومخنف، هشام کلبی و یا کسانی چون ابن اسحاق که متأثر از جریان تشیع عراق بودند، کسانی از شیعیان امامی نیز به همین میزان در نگارش تاریخ اسلام همراهی می کردند.

موضوعات گونه گونه سیره نبوی و نیز تاریخ تحولات عراق، از موضوعاتی بود که شیعیان کاملاً به آنها علاقه مند بودند و به هیچ روی خود را جدای از آن تحولات نمی دیدند. طبیعی بود که در آن میان، حرکتهای و جنبشهای شیعی یا متمایل به تشیع و یا حتی مخالف دولت اموی، گاه برای آنها از سیره نبوی نیز مهمتر بود؛ زیرا آنها شاهد آن بودند که به هر روی سیره نبوی نگارش می یابد و دیگران هم به آن توجه دارند؛ اما اخبار علویان و جنبشهای شیعی از میان می رود و یا تحریف می شود. تحولات دیگر، نظیر بحث از تاریخ خلفا نمی توانست توجه شیعیان را به خود جلب کند. این بدان دلیل بود که شیعه پیوندی میان تاریخ خود و تاریخ آنها نمی دید، طبعاً جز از زاویه منفی به آن نمی نگریست.

در قرون نخست اسلامی، نگارش تک نگاریهای تاریخی در میان سنی و شیعه رواج داشت. اما مهم آن است که در میان اهل سنت، طبری دست به ابتکار جالبی زد و بخش معظم رساله های تراشی کوچک و بزرگ تاریخی را در موسوعه عظیم خود، فراهم

آورد. چنین اقدامی در میان شیعه صورت نگرفت و همزمان با از بین رفتن رساله های تک نگارانه در تمدن اسلامی، بخش مهمی از تراث تاریخی شیعه از میان رفت. فقط نمونه های اندکی نظیر وقعة صفین نصر بن مزاحم از اوایل قرن سوم و کتاب الغارات ثقفی از همان قرن به دست ما رسیده است. همینها نشانگر اهمیت فراوان این قبیل آثار در ثبت تحولات تاریخی است.

پس از گذار از عصر اول، نگرش تاریخی شیعه، محدود به بحث مختصر در سیره و نیز زندگی امامان و مسائلی شد که در اطراف مسأله امامت مطرح بود. این وضعیت تا زمانی که مجدداً دولتی شیعه برپا شد و تاریخنگاری آن حکومت شیعه باب شد، ادامه داشت.

آثار شیعی در سیره نبوی در قرون نخست

تا آنجا که به سیره نبوی مربوط می شود، باید گفت تعلیم مغازی نیز در دستور کار امامان بوده است. مهمترین شاهد، سخن امام سجاد(ع) است که فرمود: «كُنَّا نَعْلَمُ مَغَازِي رَسُولِ اللَّهِ كَمَا نَعْلَمُ السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۲ در میان اخبار امام باقر و امام صادق

۱. شیعیانی با این ویژگی: امام علی(ع) را بر عثمان ترجیح می دهند. اهل بیت(ع) را تقدیس می کنند. در امامت به نص اعتقاد ندارند. فضائل اهل بیت(ع) را روایت می کنند. شیخین را قبول دارند. امامی وزیدی نیستند. مثل مسعودی و ابوالفرج اصفهانی.

۲. الجامع لاخللاق الراوی، ج ۲، ص ۲۸۸؛ البدایة والنهایة، ج ۳، ص ۲۴۲؛ سبل الهدی والرشاد، ج ۴، ص ۲۰.

- علیهما السلام - نیز اخبار سیره فراوان بوده و بسیاری از آنها در مآخذ مکتوب آمده است. به عنوان نمونه، ابن اسحاق، اخباری چند از امام باقر (ع) در سیره خود نقل کرده است. برخی از این نمونه ها در طبقات ابن سعد نیز دیده می شود. در میان آثار شیعی، نزدیک به یک چهارم تفسیر علی بن ابراهیم قمی، در اخبار مربوط به سیره و تاریخ انبیاست. در این کتاب که تدوین نهایی آن با استفاده از چند اثر انجام شده، از آثار مکتوبی استفاده شده که در قرن سوم و چهارم در دسترس بوده است.

به عنوان مثال، در تفسیر علی بن ابراهیم قمی از کتاب المبعث والمغازی ابان بن عثمان استفاده شده است. تفسیر قمی از جمله آثاری است که بخش سیره آن تقریباً به طور انحصاری از اخبار امام باقر و امام صادق - علیهما السلام - است. یک دلیل آن داخل شدن تفسیر ابی الجارود در آن است که تمامی اخبار آن از امام باقر (ع) بوده و به تناسب شأن نزول آیات، مطالبی از سیره در آن آمده است. اخبار ابوالجارود از سایر قسمتها متمایز است. تمامی اخبار این کتاب را علامه مجلسی در مجلدات تاریخ نبی در بحار آورده است.

نمونه دیگر، کتاب مبعث النبی و اخباره (ص) از عبدالله بن میمون القداح است که خود راوی اخبار امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بوده است.^۳ به هر روی اینها شواهدی است بر توجه امامان و شیعیان به اخبار سیره. اما تاریخ اسلام به طور عموم نیز مورد علاقه شیعیان بوده است. اصبح بن نباته از کهنترین مؤلفان شیعی است که کتابی در مقتل امام حسین (ع) داشته است.^۴ احمد بن عبیدالله ثقفی نمونه دیگر است. عناوین برخی از کتابهای وی عبارت است از: کتاب المبیضة فی اخبار مقاتل آل ابی طالب، کتاب فی تفضیل بنی هاشم و ذم بنی امیه و اتباعهم.^۵ برخی از آثار محمد بن زکریا بن دینار، به روایت نجاشی، عبارتند از: الجمل الکبیر، الجمل المختصر، صفین الکبیر، مقتل الحسین،^۶ کتاب النهر [وان]، مقتل امیر المؤمنین، اخبار زید، اخبار فاطمه.^۷

نمونه دیگر، ابراهیم بن محمد الثقفی است. وی نیز که ابتدا زیدی مذهب بود و بعد امامی شد، آثاری تاریخی دارد که برخی از عناوین آن عبارت است از: کتاب المبتدأ والمغازی والردة، اخبار عمر، اخبار عثمان، کتاب الدار، الغارات (که این اثر باقی مانده است) اخبار زید، اخبار محمد [نفس زکیه] و [برادرش] ابراهیم.^۸ آثار جابر بن یزید جعفی نیز در زمینه همین تحولات است: کتاب الجمل، کتاب الصفین، کتاب النهر و ان، کتاب مقتل امیر المؤمنین، کتاب مقتل الحسین.^۹

برخی از آثار تاریخی علی بن حسن بن علی بن فضال عبارتند از: الدلائل، الانبیاء، البشارات، و الکوفة.^{۱۰}

برخی از عناوین آثار تاریخی عبدالعزیز جلودی ازدی که در شمار عالمان شیعی معروف شهر بصره بوده عبارت است از: کتاب الجمل، کتاب صفین،^{۱۱} کتاب الحکمین، کتاب الغارات، کتاب الخوارج، کتاب ذکر علی (ع) فی حروب النبی، کتاب مآل الشیعة بعد علی (ع)، اخبار التوابین وعین الورد، اخبار من عشق من الشعراء، اخبار قریش والأصنام، کتاب طبقات العرب والشعراء، کتاب خطب النبی (ص)، کتاب خطب عثمان، کتاب رسائل عمر، کتاب رایات الأزد، کتاب مناظرات علی بن موسی الرضا (ع).^{۱۲}

احمد بن اسماعیل بن عبدالله بجلی که از مردمان قم بوده، آثاری در زمینه تاریخ داشته است. از مهمترین آثار او کتاب العباسی است که نجاشی درباره آن نوشته است: «وهو کتاب عظیم نحو من عشرة آلاف ورقة من أخبار الخلفاء والدولة العباسية. رأیت منه أخبار الأئمة». این کتاب در دست محمد بن حسن قمی بوده و چهار مورد از آن در تاریخ قم نقل کرده است. (نک: کتابشناسی آثار مربوط به قم ص ۱۹. در تاریخ قم، ۱۴۵، ۲۰۰، ۲۳۶، ۲۳۷ از تاریخ عباسی نقل شده است.) علی بن احمد جوانی نیز کتابی در اخبار صاحب فخر و کتابی در اخبار یحیی بن عبدالله بن حسن نوشته است.^{۱۴} احمد بن محمد بن خالد برقی محدث برجسته قمی کتابی با عنوان کتاب المغازی در سیره داشته است. وی آثار تاریخی دیگری نیز دارد که عبارت است از: کتاب الشعر والشعراء، کتاب البلدان

۳. رجال النجاشی، ص ۲۱۳.

۴. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۵۰.

۵. ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۶۶.

۶. این کتاب به روایت محمد بن سلیمان کوفی در مجامع زیدی مذهب بوده است. نک: مقدمه مناقب الامام امیر المؤمنین، ج ۱، ص ۱۲. در همین کتاب مناقب نیز «کوفی» در پنجاه مورد (نک: همان، ج ۳، ص ۱۷۷) مطالبی در فضایل امیر المؤمنین - علیه الصلاة والسلام - که بسیاری از آنها تاریخی است از محمد بن زکریا دینار آورده است.

۷. نجاشی، رجال، ص ۳۴۷.

۸. همان، ص ۱۸ و نک: لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۰۳؛ معجم الادباء، ج ۱، ص ۲۲۳.

۹. همان، ص ۱۲۹.

۱۰. همان، ص ۲۵۸، ش ۶۷۶.

۱۱. ابن طاووس در مهج الدعوات از کتاب صفین او دو دعایی که امام علی (ع) پیش از جنگ صفین خوانده نقل کرده است. نک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۵۲۵.

۱۲. نجاشی، پیشین، ص ۲۴۴.

۱۳. همان، ص ۹۷، ش ۲۴۲.

۱۴. همان، ص ۲۶۳.



والمساحة، كتاب التاريخ، كتاب الانساب. ۱۵

یکی از مورخان نامی در عصر امامان، ابان بن عثمان احمر بَجَلِی است. وی کتاب بالارزش در اخبار انبیا و نیز سیره رسول خدا (ص) داشته که متأسفانه فقط بخشی از آن برجای مانده است. شیخ طوسی درباره کتاب او نوشته است: «وما عرف من مصنفاته الا کتابه الذی یجمع المبتدأ والمبعث والمغازی والوفاة والسقیفة والردة». آنگاه افزوده است: «وهناك نسخة أخرى أنقص منها رواه القمیون». ۱۶ این کتاب در دسترس علی بن ابراهیم قمی بوده و در تفسیر خود، به طور مکرر از آن نقل کرده است. نجاشی نیز با کتاب آشنا بوده است. وی نوشته است: «له کتاب حسن کبیر یجمع المبتدأ والمغازی والوفاة والردة». ۱۷ این کتاب در دسترس عالمان فراوانی بوده است، اما مفصلترین نقل از آن را شیخ طبرسی در کتاب اعلام الوری کرده است. ما بخشهای بازیافته از اثر او را تحت عنوان کتاب المبعث والمغازی به چاپ رسانده و در مقدمه به تفصیل درباره وی و کتابش سخن گفته ایم.

در اینجا شماری از آثاری که درباره رسول خدا (ص) نوشته شده و بیشتر جنبه موضوعی دارد را اشاره می کنیم:

کتاب صفات النبی (ص): وهب بن وهب (نجاشی، ص ۴۳)؛ کتاب وفود العرب الی النبی (ص): منذر بن محمد بن منذر، برخی دیگر از آثار وی عبارتند از: کتاب الجمل، کتاب صفین، کتاب النهران، کتاب الغارات (نجاشی، ص ۴۱۸)؛ مسألة فی ایمان آباء النبی (ص): ابویعلی محمد بن حسن بن حمزة جعفری (نجاشی، ص ۴۰۴)؛

کتاب مسألة فی معرفة النبی (ص): شیخ مفید (نجاشی، ص ۴۰۲)؛

کتاب زهد النبی (ص)، کتاب اوصاف النبی (ص)، کتاب فی معرفة فضل النبی (ص) و امیرالمؤمنین والحسن والحسین علیهم السلام: شیخ صدوق (نجاشی، ص ۳۸۹، ۳۹۱) و نیز کتابی دیگر از او با نام کتاب فی عبدالمطلب و عبدالله و ابی طالب (نجاشی، ص ۳۹۰)؛

کتاب البیان عن خیرة الرحمن فی ایمان ابی طالب وآباء النبی (ص): علی بن بلال المهلبی الازدی (نجاشی، ص ۲۶۵)؛ کتاب مبعث النبی (ص) و اخباره: عبدالله بن میمون القداح (نجاشی، ص ۲۱۳)؛ کتاب وفاة النبی (ص): سلمة بن الخطاب براوستانی اذدورقانی (نجاشی، ص ۱۸۷)؛

کتاب الرد علی من زعم ان النبی (ص) کان علی دین قومه قبل النبوة: جعفر بن احمد بن ایوب سمرقندی (نجاشی، ص ۱۲۱)؛ کتاب الرد علی من زعم النبی (ص) کان علی دین قومه: حسین بن اشکب خراسانی (نجاشی، ص ۴۴)؛ کتاب اخبار النبی (ص): ابویعلی

احمد بن محمد بن عمار کوفی. وی کتابی نیز با عنوان کتاب ایمان ابی طالب داشته است (نجاشی، ص ۹۵)؛ کتاب ذکر النبی (ص) و الصخرة والراهب وطرق ذلک: احمد بن محمد بن سعید سیعی همدانی (نجاشی، ص ۹۴)؛ کتاب فضل النبی (ص): احمد بن محمد بن عیسی اشعری (نجاشی، ص ۸۱)؛

کتاب سیرة النبی والائمة علیهم السلام فی المشرکین: حسین بن علی بن سفیان بزوفری (نجاشی، ص ۶۸)؛ کتاب الوفود علی النبی (ص): حسین بن محمد بن علی الازدی (نجاشی، ص ۶۵)؛ کتاب نسب النبی (ص)، کتاب کتب النبی (ص)، کتاب اخبار الوفود علی النبی (ص): این سه عنوان از عبدالعزیز جلودی ازدی است (نجاشی، ص ۲۴۱-۲۴۴)؛ کتاب أسماء آلات رسول الله وأسماء سلاحه وکتاب وفاة النبی (ص): علی بن حسن بن علی بن فضال (نجاشی، ص ۲۵۸)؛ کتاب المغازی: احمد بن محمد بن خالد برقی (نجاشی، ص ۷۶)؛

النبیء عن زهد النبی (ص): ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی ابن الرازی. ابن طاووس در چندین اثر خود از این کتاب نقل کرده است. ۱۸

کتاب اسماء رسول الله (ص)، از حسن بن خرزاد (نجاشی، ص ۴۴)؛

درباره سیره نگاری می توان در تفاوت دو نگرش شیعی و سنی، این مسأله را مطرح کرد که شیعه به زندگی رسول خدا (ص) با نگاهی قدسی تر نگریسته و اساس را عصمت آن حضرت قرار می دهد.

گفتنی است که در تاریخ نویسی سنی، گرچه حالت اعجاب نسبت به زندگی آن حضرت کاملاً مطرح است اما به عصمت در همه ابعادش توجه نمی شود. نمونه آن تألیف کتابی با عنوان ولّة الانبیاء به قلم ابو الفضل مشاط بود^{۱۹} که در برابر کتاب تنزیه الانبیاء سید مرتضی نوشته شده است.^{۲۰} حتی در قرن سوم عالم سنی دیگری کتابی با نام معاصی الانبیاء نوشت که البته مورد انکار متکلم سمرقندی مشهور یعنی ابو منصور ماتریدی قرار گرفت.^{۲۱}

۱۵. همان، ص ۷۶، ش ۱۸۲.

۱۶. الفهرست، ۱۸، ۱۹.

۱۷. نجاشی، پیشین، ص ۱۳.

۱۸. کتابخانه ابن طاووس، ص ۴۴۹، ۴۵۰.

۱۹. کتاب نقض، ص ۲۴۴.

۲۰. کتاب نقض، ص ۱۱.

۲۱. نک: ادبیات فارسی، استوری، ص ۷۲۵.

کتابهای قصص الانبیاء

کار در زمینه تاریخ انبیا با عنوان کتاب المبتدأ در آثار تاریخی مسلمانان انجام شده است. این اصطلاح شامل تاریخ بشر از ابتدا تا قبل از آخرین پیامبر الهی می شود. در این زمینه، بخش کتاب المبتدأ والمبعث والمغازی ابان بن عثمان احمر که موارد آن را در مقدمه کتاب المبعث والمغازی وی آورده ایم، نشان می دهد که در میان شیعیان، رسم بر نگارش این قبیل اخبار بوده است. البته همان اثر نیز حاوی اخباری است که از منابع اسرائیلی است و طبعاً غیر قابل اعتبار.

در میان منابع شیعی بخش تاریخ انبیا به طور پراکنده و گاه به صورتی بسیار گسترده آمده است. علامه مجلسی مجموعه این اخبار را در مجلد یازدهم تا چهاردهم بحار آورده است. عمده آنها در آثار صدوق، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر عیاشی، تفسیر مجمع البیان و نظایر آنهاست و همانگونه که گفته شد، در این قبیل آثار، اخبار اهل سنت که برگرفته از کسانی چون کعب الاحبار، عبدالله بن سلام و بویژه وهب بن منبه است فراوان آمده است. ابن طاووس از کتابی با نام قصص الانبیاء که آن را از محمد بن خالد بن عبدالرحمان برقی دانسته مطلبی در فسرچ المهموم نقل کرده است.^{۲۲} اما گویا کسی دیگر، از این کتاب خبر نداده است. از میان آنچه به طور مستقل برجای مانده، می توان به کتاب قصص الانبیاء از قطب الدین راوندی اشاره کرد که با تحقیق استاد غلامرضا عرفانیان از سوی بنیاد پژوهشهای اسلامی چاپ شده است. این اثر افزون بر تاریخ انبیاء، بخشی نیز شامل معجزات آن حضرت (باب نوزدهم، ص ۲۸۰ به بعد) و بخشی شامل احوال رسول خدا (ص) است که باب بیستم کتاب می باشد و از این حیث نیز باید مورد توجه قرار گیرد. راوندی نیز مأخذی برای نوشته خود نیاورده و غالباً اسنادی را می آورد که در بسیاری از موارد روشن نیست از چه کتابی برگرفته است. احتمال می رود که بخش مهمی از باب بیستم آن از تفسیر علی بن ابراهیم قمی باشد.

پس از راوندی، کتاب النور المبین فی قصص الانبیاء از سید نعمت الله جزائری (م ۱۱۱۲)، به طور ویژه به قصص انبیاء پرداخته است.

کتابهای دلایل از قرن چهارم تا ششم

بخشی از کتابهای تاریخی شیعه کتابهایی است که از اساس برای ثبت معجزات امامان به قصد اثبات امامت آنها نگاشته شده است. طبعاً در این آثار بخشی از زندگی تاریخی امامان نیز درج شده است. از قدیمترین آثار در این زمینه کتاب دلائل الائمة

محمد بن مسعود عیاشی عالم شیعی اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم است که در سمرقند می زیسته و آثار وی از جمله همین اثر را ابن ندیم یاد کرده است.^{۲۳} این کتاب برجای نمانده است. کتاب الدلائل والمعجزات از ابوالقاسم کوفی که متهم به غلو است نیز در این زمینه است. همو کتابی با عنوان کتاب تثبیت نبوة انبیاء نوشته است.^{۲۴} کتابی نیز با عنوان دلائل النبی (ص) توسط احمد بن یحیی بن حکیم اودی صوفی کوفی نوشته شده است.^{۲۵} اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت هم کتابی با عنوان کتاب الاحتجاج لنبوة النبی (ص) نگاشته است.^{۲۶} دو کتاب با عنوان کتاب الدلائل یکی از ابوالعباس عبدالله بن جعفر حمیری و دیگری از ابو عبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی از مصادر ابن طاووس در برخی از آثارش بوده است.^{۲۷} ابو محمد عبدالباقی بن محمد بصری از علمای شیعه در قرن ششم، کتابی با نام دلائل داشته کما این که کتابی هم با عنوان الحجج والبراهین فی امامة امیر المؤمنین واولاده الاحد عشر ائمة الدین صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین داشته است.^{۲۸} کتاب دیگر، دلائل الامامة محمد بن جریر طبری معاصر شیخ طوسی است که به چاپ رسیده است. نمونه دیگر الخرائج والجرائع از قطب الدین راوندی (م ۵۷۳) است که بتفصیل از معجزات پیغمبر و امامان علیهم السلام سخن گفته است. متأسفانه، راوندی منابع خود را یاد نکرده است. این کتاب تخلیص شده و تخلیص آن نیز با عنوان کفایة المؤمنین ترجمه شده است. متن عربی در سه مجلد به همت مؤسسه الامام المهدی (ع) به چاپ رسیده است.

نمونه کهن دیگر از این دست، کتاب الثاقب فی المناقب از ابوجعفر محمد بن علی معروف به ابن حمزه (متوفی: بعد از ۵۵۲) است. این اثر نیز اخباری در معجزات انبیا و از جمله پیامبر خدا (ص) و همچنین معجزات حضرت فاطمه و سایر امامان علیهم السلام آورده است. یکی از مصادر این کتاب، کتاب مفاخر الرضا (ع) از حاکم نیشابوری است.

۲۲. کتابخانه ابن طاووس، ص ۴۸۶.

۲۳. ابن ندیم، الفهرست، ص ۲۴۵.

۲۴. نجاشی، رجال، ص ۲۶۶.

۲۵. همان، ص ۸۱.

۲۶. همان، ص ۳۲.

۲۷. کتابخانه ابن طاووس، ص ۲۲۷، ۲۲۸. اربلی نیز موارد فراوانی از دلائل حمیری نقل کرده است. نک: علی بن عیسی اربلی و کشف الغم، ص ۱۰۹.

۲۸. منتجب الدین، الفهرست، ص ۷۶.



در میان اهل سنت کتابهایی چون **دلائل النبوة** از بیهقی و نیز ابونعیم اصفهانی در همین موضوع تألیف شده است. کتاب **تثبیت دلائل النبوة** از قاضی عبدالجبار همدانی نیز همین شیوه را دنبال کرده، جز آنکه بحث را به صورت کلامی عرضه کرده است.

کتابهای کلامی-تاریخی

بخشی از تألیفات کلامی شیعه به تناسب اهمیتی که بحثهای مربوط به امامت در میان شیعه داشته، لزوماً به بحث از تاریخ کشیده شده است. بحثهای امامت عمدتاً شامل دو بخش است. بخشی عقلی که مطالبی در اثبات ضرورت وجود امام و لواحق آن است و بخشی دیگر که مباحثی تاریخی در اثبات وجود نص، دلیل عدم اعتنای دیگران به نص، و نیز در انتقاد از صحابه عرضه می‌کند. بخش تاریخی این آثار نوعاً انتقاد از خلافت و خلفاست، چیزی که تحت عنوان مطاعن از آن یاد می‌شود. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که برخی از این آثار، کلامی-تاریخی است، و برخی تاریخی-کلامی که عمدتاً در قالب حدیث ارائه می‌شود.

نمونه‌ای از این کتابها که برجای مانده، کتاب **الاستغاثه فی بدع الثلاثة** از ابوالقاسم کوفی متهم به غلو است که به چاپ رسیده است. کتاب دیگر کتاب سلیم بن قیس است که صرف نظر از شباهتی که در مورد برخی از اخبار آن وجود دارد، نصی کهن در دفاع تاریخی از عقاید کلامی شیعه در قالب حدیث، در باب امامت است. **اثبات الوصية** مسعودی را نیز که باید به طور قطع از کسی جز مسعودی صاحب **الذهب** دانست، می‌توان در ردیف آثار حدیثی-تاریخی-کلامی عنوان کرد. در شمار کهنترین آثار در این زمینه، کتاب **کوچک المقتع فی الامامة** از سدابادی (روستایی از روستاهای شهر ری) است که انتشارات اسلامی در قم آن را چاپ کرده است. از مشهورترین این آثار کتاب **الشافعی** سید مرتضی است که چاپ شده است. شیخ طوسی تحریر جدیدی از آن تحت عنوان **تلخیص الشافعی** نگاشته که آن نیز به چاپ رسیده است. آثار متعدد شیخ مفید نیز حاوی مطالب تاریخی فراوانی به مناسبت حدیث غدیر و معنای ولایت و یا جز آن، هست. از کتاب **الجمال** شیخ مفید باید بیشتر به عنوان یک اثر تاریخی-کلامی یاد کرد، نه بالعکس. این اثر در ادامه آثار تاریخی محض شیعی است که در قرن سوم معمول بوده و در امتداد تک نگاریهای تاریخی است که شیعیان عراق برای ثبت مسائل تاریخی مورد نظر خود می‌نگاشته‌اند. تاریخی بودن این اثر قابل تردید نیست، اما اینکه شیخ مفید تاریخ علمی را وسیله‌ای برای اثبات دیدگاههای شیعه در برابر عثمانیه و معتزله

قرار داده از ابداعات شیخ مفید در تلفیق مکتب تاریخی با دانش کلام است. در برابر، کتاب **کشف الیقین** علامه حلی کتابی است غالباً کلامی که برخی از آگاهیهای تاریخی نیز در آن آمده است. کتابهایی که در سرگذشت شکل‌گیری فرق شیعی نگاشته شده به نوعی حاوی بحثهای کلامی-تاریخی است. دو اثر مهم که به هم شباهتی بسیار دارند، کتابهای **فرق الشيعة** نویختی و **المقالات والفرق** سعد بن عبدالله اشعری است. این دو اثر حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی از تاریخ شیعه‌اند. کتاب **الاحتجاج** طبرسی نیز در شمار کتابهایی است که گرچه مناظرات را فراهم آورده، آگاهیهایی درباره زندگی امامان(ع) در آن آمده است. کتاب **الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف** نیز مشتمل بر آگاهیهای تاریخی و حدیثی در نقد مذهب مخالف است.

کتابهای حدیثی-تاریخی

بی‌شک، حدیث و تاریخ ارتباط نزدیکی داشته‌اند. در این زمینه گاه تأکید بر تاریخ بوده و گاه بر حدیث. در میان آثار حدیثی شیعه در قرن سوم و چهارم، همانند اهل سنت، مواد تاریخی فراوانی یافت می‌شود. در کتاب **کافی** بخشی که به بحث امامت یا حجت اختصاص داده شده، مطالبی تاریخی از زندگی امامان را دربر دارد. متأسفانه کتاب کهن دیگری نظیر **کافی** در این زمینه نیست. شاید بتوان به **بصائر الدرجات** اشاره کرد که آن نیز کمابیش مطالبی تاریخی دارد. درباره تاریخ زندگی امام (رضاع) اثر **جاودانه عیون اخبار الرضا(ع)** از شیخ صدوق برجسته‌ترین اثر است. زندگی امام و شیعه در این دوره کاملاً در این کتاب منعکس شده است. دیگر آثار صدوق نیز هریک به نحوی مشتمل بر اخبار تاریخی است. کتاب **هلل الشرايع** در این میان برجستگی خاص دارد. در امالی نیز این قبیل اخبار را می‌توان یافت. از آنجا که صدوق در آستانه پیدایی جریان تألیف کتابهای پر حجم و همزمان با از بین رفتن بخشی از تراث رساله‌ای شیعه بوده و از بسیاری از آنها در منابع خود بهره برده، باید کتابهای او را از این زاویه مغتنم شمرد.

در زمینه تاریخ غیبت سه کتاب با ارزش برجای مانده که هر کدام بخش مهمی از تاریخ شیعه را در قرن سوم منعکس می‌کند. کتاب **کمال الدین صدوق**، کتاب **الغیبه** شیخ طوسی و کتاب **الغیبه** نعمانی از مهمترین آثار در این زمینه هستند. تاریخ شیعه در این دوره مبتنی بر این چند اثر است. آثار مشابه فراوانی بوده که از میان رفته است. دو نمونه از این قبیل، به محمد بن بحر رهنی

دانشمند قرن سوم هجری تعلق دارد که بخشی از مطالب آن در کمال الدین آمده است.

کتابهای رجال-تاریخی

دانش رجال یکی از شعب مهم تاریخ است. در شیعه نیز این شعبه مورد توجه بوده و بارها فهرست اصحاب امامان، و یا مؤلفان و راویان اخبار شیعی نگاشته شده که متأسفانه بسیاری از آنها از بین رفته است. مهمترین اثر برجای مانده که بخش مهمی از دیدگاههای تاریخی شیعه در آن آمده است، کتاب **اختیار معرفة الرجال** یا **رجال کشی** است که از هر نظر باید مهم تلقی شود. کتاب **رجال النجاشی** نیز صرف نظر از رجالی بودن و نیز اطلاعات باارزش کتابشناسی آن، تاریخ فرهنگی شیعه است. این قبیل آثار در دوره های بعد، کمتر تدوین شده است، اما هر چه تدوین شده، از حیث تاریخی باید مورد توجه قرار گیرد. آثاری نظیر **الفهرست** و نیز **رجال شیخ طوسی** و همچنین **رجال علامه حلی** از این دست است. کتاب **پراچ الفهرست** ابن ندیم نیز باید یک اثر کاملاً شیعی تلقی شود، مطلبی که در جای خود اثبات شده است. ابن ابی طی عالم شیعی قرن هفتم هجری و متوفای ۶۳۰، کتابی با نام **طبقات الامامیه** داشته که متأسفانه مفقود شده است. ابن حجر عسقلانی نقلی از آن را در **الاصابه** در ذیل شرح حال یغوث صحابی آورده است. کتاب مهم دیگر او تاریخ ابن ابی طی بوده که گویا بر حسب سالها تنظیم شده بوده و نقل بازمانده از آن را صفدی در **نکت الهمیان** که در احوال نامیان نابینا است آورده است.^{۲۹}

از کتابهای انساب هم، که به نحوی به دانش تاریخ مربوط است، نباید غفلت کرد. این دانش نیز در میان شیعیان رواجی داشته و یکی از کهنترین آنها کتاب **المجدی** و دیگری **سلسلة** است. در بخش تاریخ اهل بیت این شعبه از دانش غیر قابل اغماض است. فهرستی از عالمان نسابه آیت الله مرعشی در **مقدمه لیب الانساب** بیهقی آورده است. بیشتر این کتابها علاوه بر یاد از نسب، مطالبی تاریخی نیز بیان می کنند.

زمانی که در دوره صفوی و قاجار موسوعه های مفصلتری نظیر **ریاض العلماء** و یا **روضات الجنات** نگاشته می شود،

۲۹. درباره او نک: تاریخ التراث العربی، التندوین التاريخی، ص ۲۰۸، ۲۰۹. کتاب مناقب از سوی محقق بزرگوار علامه محمد باقر محمودی در سه مجلد و به همت مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه به چاپ رسیده است.

۳۰. این اثر به کوشش سید محمد حسینی جلالی و به وسیله انتشارات اسلامی چاپ و منتشر شده است.

۳۱. نک: الذریعه، ج ۳، ص ۲۱۹.

در شمار کتابهای حدیثی، باید از کتابهای مناقب یاد کرد. این گونه آثار نیز به نوعی تاریخنگاری است. از کهنترین کتابها در این زمینه، کتاب **مناقب الامام امیرالمؤمنین** از محمد بن سلیمان کوفی قاضی است که در قرن سوم می زیسته است.^{۲۹} این کتاب مملو از آگاهیهای تاریخی است که در زمینه سیره رسول خدا(ص) و نیز زندگی امیرمؤمنان می توان از آن بهره برد. علی رغم آن که مؤلف، شیعه زیدی است، روایات فراوانی از امام باقر(ع) دارد.

درست نظیر کتاب بالا در میان شیعیان اسماعیلی مذهب، کتاب **پراچ شرح الاخبار**^{۳۰} از قاضی نعمان بن محمد تمیمی مغربی (م ۲۶۳) است که بسیار پرتألیف و برجسته ترین عالم اسماعیلی مذهب در طول دوران حکومت فاطمیان است. این اثر، کتابی است در فضایل که بعد تاریخی آن نیز قوی است. به عنوان مثال جزء دوم و سوم آن که در مجلد اول متن چاپ شده آمده، شرحی است از همراهی امام علی(ع) با رسول خدا(ص) و مشارکت ایشان در جنگهای بدر، احد، خندق و جز آن. جزء چهارم کتاب، شرح جنگ جمل و صفین است. جزء پنجم، ادامه اخبار صفین است. جزء پنجم تا مقتل حجر بن عدی و جزء هفتم تا دهم، فضایل امیرالمؤمنین(ع) است. جزء یازدهم ادامه فضایل اهل بیت بویژه فضایل فاطمه زهرا(س) است. جزء دوازدهم، فضایل امام حسن(ع) و تاریخ زندگی آن امام همراه با مقتل امام حسین(ع) است. جزء سیزدهم نیز ادامه مصائب اهل بیت است که ضمن آن به بسیاری از بزرگان اهل بیت از جمله جعفر بن ابی طالب و حضرت سجاد(ع) و بسیاری دیگر پرداخته شده است. جزء چهاردهم بحث از امام صادق(ع) و تاریخچه فرقه های شیعه است تا زمان معتضد عباسی و ظهور مهدی فاطمی. جزء پانزدهم خصائص مهدی است و جزء شانزدهم به عنوان آخرین جزء آن، در فضایل شیعیان است. این اثر به لحاظ نگارش تاریخ اهل بیت، با توجه به قدمت آن، و صرف نظر از گرایشات مختصر اسماعیلی آن، باید اثری معتبر و جامع و در محدوده زمانی خود بی نظیر به شمار آید.

اگر توجه داشته باشیم که قاضی نعمان، اخبار غدیر این کتاب خود را از کتاب **الولاية طبری** برگرفته، به اهمیت این اثر در اشتغال بر بسیاری از ناگفته ها که در آثار مکتوب در دسترس او بوده پی خواهیم برد، گرچه متأسفانه وی مأخذی برای بسیاری از نقلهای خود نمی آورد. **العمد** ابن بطریق را نیز باید از قبیل همین آثار شمرد.

آگاهیهای تاریخی مفصلتری را بویژه در زمینه تاریخ فرهنگ در اختیار ما قرار می دهد.

تاریخ دوازده امام (ع) از قرن پنجم تا هفتم

کتابی که با نام **تاریخ الائمة با تاریخ الموالید و وفیات اهل البیت** و اسامی مشابه، در دست است که در آن، سالهای تولد و وفات امامان به نقل از امام باقر، امام صادق، امام رضا و امام عسکری -علیهم السلام- آمده است. این اثر گاه به ابن خشاب، گاه به نصر بن علی جهضمی و گاه به احمد بن محمد فریابی و نیز ابن ابی الثلج منسوب می شود. هرچه هست باید در شمار کهنترین کتابهایی باشد که در این زمینه از قرن سوم به جای مانده است.^{۳۲} کتابی هم با نام **زهرة المهج و تواریخ الحجج** که باید در زندگی امامان باشد، مورد استناد ابن طاووس قرار گرفته است، اما آگاهی خاصی درباره آن نیست.^{۳۳}

کتابهای خاصی به شرح حال دوازده امام پرداخته است. کهنترین اثر در این زمینه که بتفصیل به این بحث پرداخته، کتاب **الارشاد** شیخ مفید است. وی درباره امام علی (ع) مفصلتر سخن گفته و عملاً شرحی از سیره پیامبر را هم با تأکید بر موقعیت امام (ع) در کتاب خود آورده است و سپس تا انتها مطالبی درباره امامان آورده که عمدتاً بحثهای تاریخی و کلامی است. وی گرچه در هر مورد منابع خود را نیاورده اما از اسناد وی آشکار است که از منابع معتبر و مهم رایج استفاده کرده است. اصولاً ویژگی عمده شیخ مفید در این موارد آن است که به کتابهای موجود در عراق که مورخان عراقی تألیف کرده بودند کاملاً آشنا بوده است. **مسار الشیعه** شیخ مفید نیز آگاهیهای درباره امامان در اختیار می گذارد. پس از آن باید به کتاب **اعلام الوری** از ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸) یاد کرده که از لحاظ علمی کتابی مطمئن و دقیق است. کتاب **اعلام الوری** شامل سیره پیامبر و نیز امامان بوده و در بخش ائمه، مطالب تاریخی-کلامی در اثبات امامت ائمه، همانند ارشاد شیخ مفید دارد. مؤلف، مصادر خود را با دقت ثبت کرده و از این جهت بر ارزش کتاب افزوده است. گذشت که یکی از مآخذ مهم شیعه در سیره پیامبر، کتاب ابان بن عثمان بوده که بخشهای مهمی از آن را طبرسی در این اثر خود آورده است. اثر جاودانه دیگر، **المناقب** اثر محمد بن علی معروف به ابن شهر آشوب سروی مازندرانی است. این اثر مهم و مفصل، با بهره گیری از صدها کتاب، تألیف شده است و مؤلف با نقل از مصادر مختلف و یاد از اسامی آنها، کار باارزشی انجام داده است. بخش اعظم کتاب شامل زندگی امیر مؤمنان و فضایل آن حضرت از مصادر اهل سنت

است. اما بیش از آن، سیره پیامبر را نیز آورده و در ادامه، اخبار مربوط به امامان را نقل کرده است. کتاب **روضة الواعظین** از فتال نیشابوری (متوفی: ۵۰۸) اثر دیگری است که بدون نقل مصادر خود، به بحث از زندگی دوازده امام پرداخته است. اثر بازمانده دیگر از قرن هفتم، کتاب **مختصر احوال النبی و الائمة الاثنی عشر علیهم السلام** از شیخ راشد بن ابراهیم بن اسحاق بحرانی است که نسخه ای از آن برجای مانده است. نسخه منحصر آن هم اکنون در مرکز احیاء التراث الاسلامی در قم موجود است منتجب الدین کتابی را با نام **سیره انبیاء و الائمة** از شمس الاسلام حسن بن حسین بن بابویه قمی ساکن ری یاد کرده که اثری از آن نمانده است.^{۳۴} همو از کتاب **دگری** با نام **المغازی و السیر** از السید ابوالقاسم زید بن اسحاق جعفری یاد کرده که نشانگر آن است که این دانش، مورد علاقه جامعه شیعه بوده است. شیخ ابوالحسن علی بن هبة الله بن عثمان بن احمد موصلی هم کتابی با عنوان **الانوار فی تاریخ الائمة الابرار** داشته است.^{۳۵} اثر مهم دیگر از قرن هفتم کتاب **کشف الغمّة فی معرفة الائمة** از علی بن عیسی اربلی است. این اثر که برگرفته از مآخذ مختلف شیعه و سنی است و بسیار معتدل نگاشته شده، از تاریخ تألیف آن در ربع آخر قرن هفتم به بعد، نقش بسیار مهمی در ترویج تشیع در عالم اسلام بر عهده داشته و بارها به فارسی ترجمه شده است. این کتاب شرحی است از تاریخ زندگی چهارده معصوم. ما در کتاب مستقلی به بررسی این اثر و منابع آن پرداخته ایم. در این دوره **مقتل نویسی** برای امام حسین (ع) نیز مورد توجه بوده است. ابن طاووس (م ۶۶۴) دو کتاب یکی با عنوان **اللهوف** و دیگری با نام **المصرع الثشین فی قتل الحسین** نوشته است. کتاب رایجی که با نام **مقتل ابو مخنف** شهرت دارد به احتمال از آن ابن طاووس است. (نک: کتابخانه ابن طاووس ص ۷۸-۸۰)

تواریخ محلی از قرن چهارم تا هشتم

شیعه نیز سهمی در نگارش تواریخ محلی داشته است. از آثار کهن در این زمینه که بر هر اثری تقدم دارد، کتاب **نحل العرب** است. این کتاب تحت عنوان تاریخ اهل البیت توسط آقای جلالی در قم تصحیح و توسط مؤسسه آل البیت چاپ شده است. وی در مقدمه بتفصیل در باره نام کتاب، نام مؤلف و مطالب دیگر مربوط به کتاب سخن گفته است.

۳۳. کتابخانه ابن طاووس، ص ۶۰۴.

۳۴. منتجب الدین، الفهرست، ص ۴۷.

۳۵. همان، ص ۷۶.

دست داده است. به علاوه، دربارهٔ قبیلهٔ اشعری از زمانی که در یمن بوده‌اند و پس از آن نزد رسول خدا (ص) آمده‌اند و آنگاه به عراق و سپس به قم مهاجرت کرده‌اند، بتفصیل پرداخته است. در آن میان از نقش آنها در فتوحات، بویژه فتح برخی از مناطق ایران، نیز سخن گفته شده است.

کتاب بارزش-اما مفقود-دیگر، تاریخ ری اثر منتجب الدین صاحب الفهرست است که در قرن ششم می‌زیسته است. فقط مواردی از این کتاب را ابن حجر در لسان المیزان نقل کرده که استاد ارموی چهل و هفت مورد آن را در مقدمه الفهرست منتجب الدین (انتشارات کتابخانهٔ آیت الله مرعشی (ص ۱۱-۱۶) آورده است. ابوسعید منصور بن حسین آبی مؤلف کتاب ادبی پرارج نثر الدرهم کتابی با نام تاریخ ری داشته است.^{۴۱} کتاب دیگر تاریخ طبرستان از ابن اسفندیار است. این اثر جاودانه، مهمترین متنی است که در تاریخ طبرستان نگاشته شده و مؤلف که در قرن ششم می‌زیسته، از مورخان شیعی بوده است. تاریخ رویان از مولانا اولیاء الله آملی نیز از دیگر تواریخ محلی بسیار بارزش است. وی در این کتاب بخشی از دیدگاههای تاریخی شیعه را به ویژه تا زمان امامان (ع) به دست داده است.

آثار عربی و فارسی ستیان دوازده امامی

دربارهٔ دوازده امام از قرن ششم تا دهم

از میان اهل سنت نیز کسانی-به دلایلی- شرحی بر زندگی دوازده امام نوشته‌اند. این، جدای از کسانی از آنهاست که آثاری دربارهٔ اهل بیت نوشته و مرحوم استاد عبدالعزیز طباطبائی در سلسله مقالات خود با عنوان اهل البيت فی المكتبة العربیة در ترانها آنها را شناسانده‌اند. از این افراد با اصطلاح شیعهٔ دوازده امامی می‌توان یاد کرد. تذکرة الخواص اثر یوسف بن فرغلی بن عبدالله بغدادی سبط ابی الفرج عبدالرحمان بن الجوزی (۵۸۱-۶۵۴ق) به شرح مناقب اهل بیت و از جمله دوازده امام پرداخته و در زمینهٔ آثاری از این قبیل باید یکی از نخستین آثار به

از محمد بن بحر رهنی است.^{۳۶} یاقوت دربارهٔ این مؤلف و کتاب او نوشته است: «له تصانیف منها: کتاب سماه کتاب نحل العرب یذکر فیہ تفرق العرب فی البلاد فی الاسلام، ومن کان منهم شیعیاً ومن کل منهم خارجاً او سنیا فیحسن قوله فی الشیعة ویقع فیمن عداهم. وقفت علی جزء من هذا الكتاب ذکر فیہ نحل اهل المشرق خاصة من کرمان وسجستان وخراسان و طبرستان.» از این کتاب جز آنچه یاقوت در معجم البلدان نقل کرده چیزی برجای نمانده است.

کتاب البلدان والمساحه یا با نام التبیان فی احوال البلدان از احمد بن محمد بن خالد برقی است. مؤلف تاریخ قم در قرن چهارم از این کتاب در تاریخ شهر قم بهره گرفته که محتمل است از همان کتاب البلدان او استفاده کرده باشد. (آقای مدرسی موارد نقل شده از کتاب تبیان را در تاریخ قم یاد کرده‌اند. نک: کتابشناسی آثار مربوط به قم ص ۱۸. رافعی نیز در التلویین ص ۴۴-۴۸ مواردی از آن را نقل کرده است.) در نسخهٔ چاپی در موارد متعددی به نقل از برقی مطالب تاریخی مربوط به قم آورده است و در یک مورد می‌گوید: برقی در کتاب بنیان چنین آورده^{۳۷}: ... محتمل است که بنیان تصحیف بلدان باشد. احتمال دیگر آن است که کشف الظنون آورده و آن این که نام کتاب التبیان فی احوال البلدان بوده است.^{۳۸}

کتابی با نام البلدان والمساحه به پدر احمد، یعنی محمد بن خالد نیز نسبت داده شده است.^{۳۹} کتابی نیز با نام البلدان والمساحه ابوجعفر محمد بن عبدالله بن جعفر بن حسین بن جامع حمیری در قرن سوم داشته است. وی در جستجوی کتاب احمد برقی بوده و در این باره، در بغداد و ری و قم جستجو کرده اما آن را نیافته، پس از آن خود کتابی در این باره نوشته است.^{۴۰}

کتاب مهم دیگر در این زمینه تاریخ قم از حسن بن محمد بن حسن قمی است که آن را در سال ۳۷۸ قمری نوشته است. این اثر مهم تاریخی، جالبترین و علمیتترین کتابی است که در تمدن کهن اسلامی نگاشته شده است. تواریخ محلی که در تمدن اسلامی نگاشته شده بخش عمده‌اش شرح حال رجال شهرهاست؛ در حالی که کتاب تاریخ قم، بدقت به نگارش مطالب علمی دربارهٔ تاریخ شهر پرداخته است. مؤلف در مقدمه، کتاب را به بیست باب تقسیم کرده که متأسفانه فقط ترجمهٔ فارسی پنج باب آن به دست آمده است. از متن عربی آن نیز خبری در دست نیست. متن فارسی آن از حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی است که در سال ۸۰۵ به انجام رسیده است. در این کتاب، صرف نظر از آگاهی‌هایی که دربارهٔ شهر قم آمده، اطلاعات گرانبهایی از وضعیت خراج در آن روزگار به

۳۶. معجم الادباء، ج ۱۸، ص ۳۱؛ الوافی بالوفیات، ج ۲، ص ۲۴۴؛ الذریعه، ج ۲۴، ص ۸۲.

۳۷. تاریخ قم، ص ۵۶.

۳۸. نک: الذریعه، ج ۳، ص ۱۴۵، ش ۴۹۷.

۳۹. الذریعه، ج ۳، ص ۱۴۵.

۴۰. التجاشی، پیشین، ص ۳۵۵.

۴۱. الذریعه، ج ۳، ص ۲۵۴.

شمار آید. کتاب **الال** از ابن خالویه (متوفی: ۳۷۰) نیز باید از این قبیل کتابها باشد که اربلی مواردی از آن را در کشف الغمه نقل کرده است. از چهره های برجسته این جریان، کمال الدین محمد بن طلحة شافعی (متوفی: ۶۵۲ق) نویسنده اثر **پراج مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول** است. اربلی از وی به دلیل آن که در کتاب خود شرح حال دوازده امام را آورده ستایش کرده است. عبدالعزیز بن محمد، معروف به ابن اخضر گنابادی (متوفی: ۶۱۱ق) در کتاب **معالم العترة النبوية و معارف اهل البيت الفاطمية العلوية**، مطالب را فقط تا امام یازدهم آورده و به همین دلیل مورد انتقاد علی بن عیسی اربلی قرار گرفته است.^{۴۲} دو نمونه مهم دیگر یکی **الفصول المهمة فی معرفة احوال الائمة** از ابن صباغ مالکی (متوفی: ۸۵۵ق) و دیگری **الشذرات الذهبية فی تراجم الائمة الاثنی عشرية عند الامامية** از شمس الدین محمد بن طولون (متوفی: ۹۵۳ق) است. حمدالله مستوفی نویسنده نزهة القلوب و تاریخ گزیده، در کتاب دوم خود، ابتدا شرحی از تاریخ خلفای نخست را به دست داده و سپس به بیان شرح زندگی و فضایل امام امیرالمؤمنین می پردازد. در ادامه در صفحه ۱۹۸ شرحی از زندگانی امیرالمؤمنین و حافد رسول رب العالمین امام المجتبی حسن بن علی المرتضی (ع) آورده است. فصل سیم از باب سیم کتاب را نیز به دیگر امامان اختصاص داده است، با این عبارت که: «در ذکر تمامی ائمه معصومین رضوان الله علیهم اجمعین که حجة الحق علی الخلق بودند، مدت امامتشان از رابع صفر سنه تسع و اربعین تا رمضان سنه اربع و ستین و مائتین دویست و پانزده سال و هفت ماه، ائمه معصوم اگرچه خلافت نکردند اما چون مستحق، ایشان بودند تبرک را از احوال ایشان شمه ای بر سبیل ایجاز ایراد می رود.» این شرح تا بیان زندگانی امام زمان (ع) ادامه یافته است.^{۴۳} اثر مهم دیگر کتاب **فصل الخطاب** خواجه محمد پارسا از قرن نهم است که با وجود اصرار بر تسنن و حتی موضعگیری شدید بر ضد روافض، شرح احوال امامان علیهم السلام را آورده است. این بخش از کتاب در میراث اسلامی ایران دفتر چهارم به چاپ رسیده است مؤلف کتاب **روضات الجنان و جنات الجنان**، یعنی درویش حسین کربلایی (قرن دهم) نیز فصلی بلند به شرح حال امامان اختصاص داده است. کتاب مزبور به چاپ رسیده است. کتاب **با ارزش و سيلة الخادم الی المخدم** در شرح صلوات چهارده معصوم اثر فضل الله بن روزبهان خنجی (متوفی: ۹۲۷ق) که به ضدیت با تشیع و دولت صفوی شهره است، در شرح زندگانی چهارده معصوم تألیف شده است.^{۴۴} **کته الاخبار** از مؤلفات قرن دهم هجری در سایه دولت عثمانی تألیف شده و شرح حال دوازده امام را دارد.^{۴۵}

الصواعق المحرقة اثر ابن حجر هیتمی که آن را در رد بر روافض نگاشته، مشتمل بر شرح حال امامان و مناقب آنهاست. یکی از مهمترین چهره های این نگرش، ملا حسین کاشفی است که در کتاب **روضة الشهداء** شرحی مختصر از زندگی انبیا و دوازده امام علیهم السلام و نیز مطالبی در عزاداری برای آنها آورده و در آن، مفصلترین بخش را به امام حسین (ع) اختصاص داده است. کتاب دیگر در این زمینه کتاب **المقصد الاقصی** از کمال الدین خوارزمی است که ضمن آن علاوه بر شرح حال خلفا، شرح حال دوازده امام را نیز آورده است.

آثار فارسی امامی مذهب از قرن هفتم تا دهم

کتابهای اندکی از شیعیان فارسی زبان در این دوره بر جای مانده که در حد خود قابل توجه است. اثری جاودانه با عنوان **نقض از عبدالجلیل قزوینی رازی** که کتابی است کلامی-تاریخی در دفاع از شیعه در برابر کتابی که در رد شیعه نوشته شده است. این اثر مهم، مشتمل بر آگاهیهای منحصر به فرد از قرن ششم هجری بویژه درباره شیعه و نیز وضعیت فرهنگی و احیاناً سیاسی آن دوره است. وی در همان کتاب یادآور شده که کتابی درباره حدیث افک یا دفاع از عایشه نگاشته است.^{۴۶} وی این مطلب را به این دلیل یاد می کند که بگوید شیعیان به همسران رسول خدا (ص) طعنه نمی زنند.

سه اثر از یک نویسنده پرکار شیعی در اواخر قرن هفتم در اصفهان تألیف شده که همگی کارهای کلامی-تاریخی است. عمادالدین طبری نویسنده **کامل بهایی**، **مناقب الطاهرين و تحفة الابرار** نگرشی کلامی-تاریخی بر موضوعات مهم شیعی کرده و از زمانه خود نیز گاه و بیگاه آگاهیهای به دست داده است. کتاب **پر حرم احسن الکبار فی معرفة الائمة الابرار** از سید محمد بن ابی زید بن عربشاه ورامینی در شرح زندگی امامان معصوم در سال

۴۲. کشف الغمه، ج ۲، ص ۳۰۶. گویا از کتاب معالم اثری باقی نمانده، گرچه قطعاتی از آن در کشف الغمه نقل شده است. نک: علی بن عیسی اربلی و کشف الغمه، ص ۱۲۱.

۴۳. تاریخ گزیده، ص ۲۰۷.

۴۴. پیش از این، این کتاب به کوشش نگارنده، در سلسله انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی چاپ شده بود. چاپ جدید آن که با نسخه ای جدید مقابله شد، از سوی انتشارات انصاریان عرضه شده است.

۴۵. در معرفی آن، نک: «نشر دانش، سال چهاردهم، اسفندماه، ص ۵۸.

۴۶. کتاب نقض، ص ۱۱۵، ۲۹۵.

چاپ شده درباره ابوبکر و مسائلی دیگر است. مجلد دوم کتاب تا باب شصتم، اخبار معجزات معصومین را تا امام زمان (ع) آورده است. این اثر باید در کنار *احسن الکبار* یکی از کاملترین آثار فارسی شیعه دوره میانی تاریخ ایران از تاریخ صدر اسلام تلقی شود. گفتنی است که این کتاب با اینکه فارسی بوده است، به لحاظ اهمیت، مورد توجه ابن طاووس قرار گرفته و وی که فارسی نمی دانسته آن را داده تا برایش ترجمه کنند. در یک مورد هم از آن در *فرج المهموم* نقل کرده است.^{۴۴} مقتلی هم به فارسی و البته به نظم در قرن ششم از ابوالمفاخر رازی در دست بوده که کاشفی در قرن دهم در روضه الشهداء از آن بهره برده است.

تاریخننگاری در آستانه عصر صفوی

پس از گذر از دوران شکوه تمدن اسلامی تا قرن ششم و هفتم، تألیف در غالب زمینه های علمی گرفتار رکود، تکرار، شرح های بیهوده و اغلب فاقد روش های علمی می شود. البته موارد نادری وجود دارد که باید آنها را استثنا کرد و گاه در برخی از زمینه ها چندان نیز نادرست نیست. به عنوان مثال، دانش تاریخ نویسی در عصر مغول مرتبت بالایی دارد و آثاری نظیر *جامع التواریخ* و *یا جهانگشای جویی* و نیز آثار *حافظ آبرو* نشانگر این مرتب والا است. بعد از آن بجز حوزه شامات و مصر که دانشمندان برجسته ای نظیر *ذهبی*، *صقّدی*، *ابن حجر*، *ابن عماد حنبلی*، *صالحی شامی*، *مقریزی*، *کُتبی* و بسیاری دیگر را تربیت کرده، در شرق خبری نیست. نه سنیان و نه شیعیان آثار برجسته ای را که در قرون نخست نظیر تاریخ نیشابور یا تاریخ *بیهقی* یا تاریخ *جرجان* یا تاریخ *ری* و امثال آنها را نگاشته اند، تألیف نکرده اند. تاریخ نویسی این دوره، بجز تواریخ محلی

۷۴۰ هجری نگاشته شده و نسخه هایی از آن - از جمله در کتابخانه آیت الله مرعشی - برجای مانده و خلاصه آن با نام *لوامع الانوار* از علی بن حسن زواره ای در دست است. کتاب *رامش افزای آل محمد* از محمد بن حسین محتسب، اثری ده جلدی در تاریخ انبیا و امامان بوده که منتجب الدین آن را دیده و بخشی از آن را نزد مؤلف خوانده است.^{۴۷} چنانکه دو نقل از آن در مناقب ابن شهر آشوب آمده که یکی درباره زندگی امام مجتبی و دیگری درباره علم امام صادق (ع) است.^{۴۸} و در *الفهرست منتجب الدین* از آن یاد شده، اما اثری از وی پس از قرن هشتم یافت نشده است. *مباهج المهبج فی مناهج الحجج* از قطب الدین کیدری نویسنده برجسته شیعی است که به احتمال بسیار قوی در قرن ششم زندگی می کرده است. این کتاب که به عربی بوده، به وسیله حسن بن حسین شیعی سبزواری در قرن هشتم به فارسی درآمده و مترجم، نامش را *بهجة المباحج* گذاشته است. وی این ترجمه را به خواجه نظام الدین یحیی بن شمس الدین که از سال ۷۵۳ تا ۷۵۹ به عنوان یکی از فرمانروایان سربداری در خراسان حکومت داشته اهدا کرده است. *بهجة المباحج* در قرن دهم توسط شاعری کاشانی با نام *حیرتی تونی* به نظم کشیده شد.^{۴۹} حسن شیعی سبزواری کتابی هم با نام *راحة الارواح و مونس الاشباح* که مشتمل بر حکایات و لطایفی درباره زندگی پیامبر و اهل البیت است نگاشته که نسخه های آن برجای مانده است.^{۵۰} متنی دیگر با عنوان *تاریخ محمدی یا تاریخ رشیدی یا تاریخ دوازده امام یا فهرست ائمه* وجود دارد که در وصف آن گفته شده: «در تاریخ تولد پیامبر و امامان با نام و نسب و لقب و زادگاه و جای قبرشان به نظم» با تاریخ بیستم ذی قعدة ۸۱۹ که نسخه ای از آن در کتابخانه ملی تبریز به شماره ۳۶۲۶ نگهداری می شود.^{۵۱} این اثر از ملاحسن کاشی است که از نزدیکان سلطان محمد خدابنده بوده و در تشیع آن دوره سهمی بسزا دارد. وی این کتاب را در سال ۷۰۸ که شصت سال از زندگیش را سپری کرده بوده در حله و بغداد نگاشته است.^{۵۲} کتابی هم با نام *تاریخ هسرت* در سال ۸۰۳ در حلب تألیف شده که متن آن را مرحوم دانش پژوه چاپ کرده است.^{۵۳}

از مفصلترین آثار در زمینه تاریخ صدر اسلام در میان فارسی زبانان شیعه، باید از *نزهة الکرام و بستان العوام* یاد کرد که چند سالی است با تصحیح محمد شیروانی چاپ شده است. این اثر از محمد بن حسین بن حسن رازی است که در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری می زیسته است. کتاب در دو مجلد حاوی اخباری است در سیره رسول خدا (ص) تا باب بیست و یکم، و پس از آن، تا باب سی ام که در مجلد اول کتاب

۴۷. منتجب الدین، *الفهرست*، ص ۱۰۸.

۴۸. نک: *تعلیقات الفهرست*، منتجب الدین، چاپ ارموی، ص ۴۳۵، ش ۳۹۴.

۴۹. ادبیات فارسی، استوری، ص ۷۸۵، ۷۸۶.

۵۰. ادبیات فارسی، استوری، ص ۷۸۵.

۵۱. *فهرست نسخه های خطی فارسی منزوی*، ص ۲۷۰۴.

۵۲. استوری، ص ۸۹۹.

۵۳. نک: *مقدمة بستان الکرام*، ص ۱۵. در این مقدمه مرحوم دانش پژوه شرحی از کارهایی که در عربی و فارسی درباره اهل بیت از طرف سنیان و شیعیان نگاشته شده آورده است. ای کاش اطلاعات جامعتری در این باره عرضه می کرد.

۵۴. کتابخانه ابن طاووس، ص ۴۸۲.

نسبت به برخی از دولتها، گرفتار رکود است. به همین نسبت درباره تاریخ اسلام نیز کاری انجام نمی شود. صوفیانی که در این زمان در شرق سلطه دارند، آثار محدودی را در قرن نهم پدید آوردند که نوعاً شرح طبقات اقطاب آنها و سلسله مشایخ بود که طبعا شامل بخشی از تاریخ اسلام و نیز تاریخ امامان شیعه می شد. در این تواریخ به دلیل غلبه نگرش صوفیانه، نوعی نگرش غیر تجربی در تاریخ و نیز شرح حال نویسی رواج یافت که سرسلسله آن رشته تألیفها، طبقات الاولیاء و امثال آن در چند قرن پیش از آن بود. زندگی اقطاب، خارج از دایره معمول زندگی انسانها شکل می گیرد و همه چیز بارها فراتر از حد طبیعی خود قرار دارد. لیست طویلی از این قبیل آثار تاریخی که نوعا فاقد ارزش علمی در حوزه تاریخنگاری است و همزمان با از میان رفتن تصوف ارزش خود را از دست داده است، در ادبیات فارسی استوری، بخش تاریخ، آمده است. برخی از مشهورترین آنها در میان اهل سنت صوفی مسلک که مردم عمدتا نگرش تاریخی خود را از آنها می گرفتند، عبارتند از: **المقصد الاقصی فی ترجمة المتسقی**، از متن عربی آن آگاهی در دست نیست و ترجمه به دست کمال الدین حسین خوارزمی در قرن نهم انجام شده است؛^{۵۵} **المجتبی من کتاب المجتبی فی سيرة المصطفی**^{۵۶} سیر النبی از جامی؛^{۵۷} مولود حضرت رسالت پناه محمدی از جامی؛^{۵۸} **شواهد النبوة لتقوية یقین اهل الفتوة** ایضا از جامی؛^{۵۹} این کتاب بسیار شهرت یافته و صدها نسخه خطی از آن برجای مانده است. بیان حقائق احوال سید المرسلین از جمال الدین احمد اردستانی مشهور به پیر جمال صوفی مشهور؛^{۶۰} **معارج النبوة فی مدارج الفتوة** از معین الدین فراهی (متوفی: ۹۰۷).^{۶۱} این کتاب نیز شهرت فراوانی دارد؛ **روضة الاحباب فی سیر النبی والاکل والاصحاب** از امیر جمال الدین عطاءالله بن فضل الله حسینی دشتکی شیرازی که در سال ۹۰۰ تألیف شده و از شهرت چشمگیری برخوردار بوده است؛^{۶۲} **تحفة الاحباء فی مناقب آل العباء** از همو، که در مناقب اهل بیت نگاشته شده است؛^{۶۳} **آثار احمدی** از احمد بن تاج الدین حسن بن سیف الدین استرآبادی،^{۶۴} که از آثار سنیان دوازده امامی است و اخیراً نیز به کوشش آقای میرهاشم محدث در سری انتشارات «میراث مکتوب» چاپ شده است.

آثاری دیگر که یا به نثر است یا به نظم و حاوی نگرش قدسی از نوع صوفیانه در این دوره، فراوان است. عناوینی نظیر: **نادر المعراج و بحر الاسرار**، **حملة حیدری**، **محاربة غصنفری**.

یاد از این کتابها در این مقال، به دلیل تأثیری است که در ادبیات تاریخنگاری شیعه داشته است. نمونه واضح در ارتباط

این دو ادبیات، **روضة الشهداء** ملاحسین کاشفی است که دقیقاً دیدگاههای حاکم بر هرات را به تشیع ایران انتقال داده و خود تا صدها سال متنی پرنفوذ در میان شیعیان بوده است.

رواج تشیع و آغاز تاریخنگاری شیعی در دوره صفوی

باید توجه داشت که در دوره صفوی، بخشی از تاریخنویسی مربوط به ثبت تحولات تاریخی دولت صفوی است. ما در اینجا قصد شرح چگونگی آن قبیل تألیفات را که نمونه های مشهور آن عالم آراهای مختلف^{۶۵} و یا خلاصه التواریخ و جز آنهاست نداریم؛ بلکه صرفاً قصدمان اشاره به کتابهای تاریخی است که به تاریخ صدر اسلام اعم از سیره رسول خدا (ص) و تاریخ امامان (ع) پرداخته اند.

گفتنی است که مؤلفان آثار نوع اول، نه عالمان دین، بلکه طایفه دیگری از فرهیختگان جامعه عصر صفوی مانند منشیان و دبیران و احیاناً شاعران بودند. در اینجا دوره صفوی و قاجار را که از این لحاظ و از بسیاری جهات کاملاً به یکدیگر شباهت دارند، یکجا مورد توجه قرار می دهیم.

با گذشت مرحله نخست تشکیل دولت صفوی به عهد اسماعیل اول، نوبت به مرحله دوم آن یعنی دوره تثبیت دولت صفوی رسید که شاه طهماسب متکفل آن بود. از اهرمهای اصلی این دولت، توجه به تشیع و نگاهبانی از آن به عنوان یکی از بنیادهای اصلی دولت جدید بود. شاه طهماسب با درک این مطلب، به کار تعمیق اندیشه شیعی در ایران پرداخت و از زوایای مختلف، برای تحکیم این امر چهل سال تلاش کرد. در حوزه تاریخ، هدف عمده در جنبه اثباتی-آشنا کردن مردم با زندگی

۵۵. استوری، ص ۷۷۵.

۵۶. همان، ص ۷۹۱.

۵۷. همان، ص ۷۹۲.

۵۸. همان، ص ۷۹۵.

۵۹. همان، ص ۷۹۷-۸۰۲.

۶۰. همان، ص ۷۹۲، ۷۹۳.

۶۱. همان، ص ۸۰۳-۸۱۰.

۶۲. همان، ص ۸۱۰-۸۱۸.

۶۳. همان، ص ۸۱۸.

۶۴. همان، ص ۸۱۹.

۶۵. نظیر عالم آرای شاه اسماعیل، عالم آرای شاه طهماسب، عالم آرای صفوی، عالم آرای عباسی؛ و بعد از صفویه: عالم آرای نادری.

امامان و -از نظر انتقادی- نقد اعمال مخالفان ائمه در صدر اسلام بود. گفتنی است که ایران، بویژه در بخش شرقی، کاملاً با مناقب ائمه آشنا بودند؛ اما به هر روی، توسعه این آشنایی، به رواج هر چه بیشتر تشیع کمک می کرد. توجه به این نکته که شاه طهماسب سه بار دستور ترجمه کتاب باارزش کشف الغمه را صادر کرده و این دقیقاً به هدف اشاعه تشیع میان مردم بوده، مؤیدی بر مطلب فوق الذکر است. نعمت الله بن قریش رضوی یکی از این مترجمان است. وی در مقدمه ترجمه اش می نویسد: «چون همواره خاطر عاطر آن جامع مفاخر [شاه طهماسب] متوجه بر این بود که تولا و تبرا در میان مردم آشکار شود و معلوم و مقرر بود که بیشتر مردمان این زمان از اکثر احوال ائمه طیبین (ع) غافلند و معرفت ثواب مناقب ایشان به تفصیل حاصل ندارند، فرمود که کتاب کشف الغمه فی معرفة الائمة که جامعترین کتب است در این باب، اگر کسی به فارسی کند نفع آن عام شود و موالیان همه در معرفت امامان کامل و تمام شوند و این نعمتی عظیم و برکتی شامل و عمیم بود.» وی سپس شرح می دهد که وی به این خدمت قیام کرد.^{۶۶}

دلیل دیگر پرداختن به تاریخ اسلام در این دوره، رشد اندیشه ها اخباری و حدیثی بود. می دانیم که در میان اهل سنت نیز، بسته شدن باب اجتهاد از یک سو و غلبه اخباریگری، فقه و عقل (فلسفه) را تضعیف کرد، اما در عوض به تاریخ و رجال مجال بروز داد. در شیعه نیز پس از شیخ مفید، هم فقه اجتهادی تقویت شد، چون باب اخبار بسته شده بود، و هم کلام و فلسفه رشد کرد و در عوض تاریخ و رجال محدود شد. بارشده مجدد اخباریگری در دوره صفوی، تا اندازه ای تاریخ نیز مجال ظهور یافت. جز آنکه عامل دیگری سبب محدود شدن آن در استفاده از تاریخ در بحثهای کلامی -بویژه در مباحث امامت- شد. این مباحث همانهایی بود که در قرن سوم در کتابهایی نظیر الاستغاثه فی بدع الثلاثه ظاهر شده بود.

یک ویژگی عمده آثار دوره صفوی، حتی در حوزه شیعیان خارج از ایران در بحرین، آن است که آثار تاریخی گسترده در اختیارشان نبوده است. در این زمان، برخلاف زمان ابن طاووس و اربلی که کتابهای اهل سنت در عراق رواجی کامل داشته و شیعیان هم از آنها بهره می برده اند، فقط کتابهای شیعی در اختیار بوده است. آنچه از کتابهای اهل سنت در آثاری نظیر اثبات الهداة یا بحار یا جز آنها آمده، مطالبی است که نوعاً از طریق ابن بطریق، ابن طاووس، اربلی و امثال آنها نقل شده است. البته باید چند کتاب محدود لغت و امثال آنها را استثنا کرد. منابع تاریخی کهن نظیر تاریخ طبری یا آثار ذهبی یا ابن کثیر که

شایعترین آثار در جهان اهل سنت بوده، در اختیار عالمان شیعی نبوده است. هنوز نیز یک نسخه از تاریخ طبری در بیست مجلد فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی معرفی نشده است و فقط یک نسخه از مروج الذهب مسعودی در این بیست جلد شناسانده شده است. از تاریخ یعقوبی نیز که اثری شیعی است یادی در این فهرست نیست؛ بلکه نسخه ای خطی از آن در ایران وجود ندارد. نیز باید دانست که نسخه ای از کتاب الجمل شیخ مفید حتی در اختیار علامه مجلسی قرار نداشته است. این همه نشان می دهد که این دوره، از لحاظ داشتن منابع تاریخی رایج -چه رسد به منابع گمنامی نظیر انساب الاشراف و امثال آن- بسیار بسیار فقیر بوده است. در چندین رساله که در نیمه دوم دولت صفوی درباره ابو مسلم نوشته شده، هنوز این تردید وجود داشته که آیا وی یک شیعه امامی است یا مدافع عباسیان! و زمانی که یک نویسنده خواسته است تا او را مدافع عباسیان نشان دهد، فقط مروج الذهب را در اختیار داشته و به گونه ای از آن سخن گفته که گویی گوهری ناشناخته یافته است.^{۶۷}

نوشته های فارسی و عربی فراوانی در این دوره در زمینه سیره و اخبار امامان (ع) نوشته شده است. اما هیچکدام از لحاظ گستردگی و نظم به پای مجلدات بحار الانوار علامه مجلسی نمی رسد. مجلد یازدهم تا چهاردهم بحار به قصص انبیا اختصاص دارد که ضمن آن از مهمترین مصادر شیعه، آنچه در این باره بوده، به ضمیمه آیات قرآنی و تفسیر آنها و احیاناً توضیحات خودش، مطالب لازم را فراهم آورده است. سیره نبوی نیز شامل هشت مجلد (از مجلد ۱۵ تا ۲۲) است که نسبتاً بسیار مفصل می باشد. نوع تقسیم بندی علامه مجلسی قابل توجه است و مانند سایر قسمتها با دقت انجام شده است.

جلد پانزدهم، از اجداد رسول خدا (ص) آغاز شده و تا جوانی آن حضرت ادامه یافته است. مجلد شانزدهم از ماجرای ازدواج با خدیجه تا انتهای مسائل شخصی مربوط به رسول خدا (ص) از جمله اخلاق و سنن آن حضرت را در بر گرفته است. مجلد هفدهم، در یک قسمت شامل بحث عصمت و سهو النبوی و در ادامه مشتمل بر معجزات آن حضرت است.

۶۶. نک: علل برافتادن صفویان، مقاله «ترجمه متون دینی به پارسی در دوره صفوی»، ص ۳۸۶. دو ترجمه دیگر نیز در همانجا معرفی شده است.

۶۷. نک: میراث اسلامی ایران (از انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی)، دفتر دوم، سه رساله درباره ابو مسلم و ابو مسلم ها.

بخش نخست مجلد هجدهم نیز معجزات، و در ادامه، مبعث و خبر معراج آمده است. مجلد نوزدهم اخبار دوران بعثت تا غزوه بدر را شامل می‌شود. مجلد بیستم، ادامه غزوات رسول خدا(ص) تا حدیبیه و نامه نگاری به شاهان و امیران است. مجلد بیست و یکم تا حجة الوداع امتداد یافته است. مجلد بیست و دوم شامل اخبار اقارب رسول خدا(ص) بویژه همسران و نیز برخی از اصحاب و خواص آن حضرت است و در انتها، اخبار مربوط به وفات رسول خدا(ص) آمده است.

از مجلد بیست و سوم تا بیست و هفتم به مبحث امامت اختصاص داده شده است. مجلد بیست و هشتم تا سی و یکم به تاریخ خلفا اختصاص دارد که بتازگی چاپ شده است. از مجلد سی و دوم تا پنجاه و سوم به تاریخ و سیره امامان اختصاص داده شده که برای برخی از امامان تا چند مجلد و برای برخی دیگر یک مجلد در نظر گرفته شده است.

علامه مجلسی صرف نظر از برخی از آثار شیعی -مانند کتاب الجمل شیخ مفید- که ندیده، آنچه از آثار شیعی در این زمینه بوده، در این اثر خود آورده است. کتابی دیگر مانند اثر بزرگ علامه در زمان وی تدوین شده است که به عنوان «عوامل العلوم» یعنی نظیر کار علامه در جهت یکپارچه کردن آثار شیعی در موضوعات متنوع. برخی از مجلدات آن نیز مانند بحار درباره امامان است، که از سوی «مؤسسه الامام المهدی(ع)» به چاپ رسیده است. گفتنی است که علامه مجلسی کتاب جلاء العمیون را به فارسی و درباره تاریخ چهارده معصوم نگاشته که یکی از رایجترین آثار فارسی در چند سده اخیر در زمینه سیره معصومین بوده است. کتاب اثبات الهداة از شیخ حر عاملی در باب امامت و بیان اخبار چندی از زندگی امامان در نوع خود کتابی جامع و کم مانند است. مجموعه اخبار معجزات را نیز سید هاشم بحرانی (متوفی: ۱۱۰۷ تا ۱۱۰۹) در مدینه المعاجز فراهم آورده است. این اثر بتازگی در هشت مجلد به چاپ رسیده است.

نوشته‌هایی که در این دوره در مناقب و امامت و تاریخ امامان نوشته شده خارج از حد شمارش بوده و تقریباً بخش اعظم آنها تا حدودی فاقد ارزش علمی است. این وضعیت در دوران صفویه و قاجار یکنواخت بوده و علی‌رغم بهتر شدن مناسبات خارجی ایران در دوره قاجار، بویژه رفت و آمد به عتبات و حج، رشد کتابخانه‌ای در ایران وجود نداشته و به همین دلیل، کار عمده تازه‌ای نیز صورت نگرفته است.

قابل تذکر است که در دوره قاجار نه تنها عالمان دینی، بلکه دبیران حکومتی نیز به کار تألیف در تاریخ اسلام بویژه

مقتل نویسی می‌پرداختند. نمونه آن فیض الدموع بدایع نگار است که با نثری زیبا نوشته شده و اخیراً از سوی «نشر میراث مکتوب» چاپ شده است. نمونه دیگر، کار فرهاد میرزا معتمدالدوله فرزند عباس میرزاست که برای سالهای متمادی حکومت فارس و نواحی دیگر را داشت. وی کتاب قمقام زخا و صمصام بتار را در مقتل امام حسین نگاشته که مکرراً چاپ شده است.^{۶۸} موسوعه بزرگ تاریخ این دوره ناسخ التواریخ است که در حال حاضر بجز بخش تاریخ قاجاریه آن از محمد تقی سپهر کاشانی ارزش تاریخی خاصی ندارد. (درباره آن نک: استوری، ص ۶۸۵-۶۹۳)

مقتل نویسی در دوره صفوی و قاجار

بخشی مهمی از تاریخ‌نویسی در حوزه‌های شیعی در چند سده اخیر، مقتل نویسی است. اهمیت یافتن عزاداری برای امام حسین(ع) از پیش از دولت صفوی در شرق ایران کاملاً مشهود است. کاشفی روضه الشهداء را برای هرات و خراسان نوشت، آن هم زمانی که هنوز دولت صفوی در آن نواحی قدرتی نداشت و تازه در غرب ایران شکل گرفته بود. با روی کار آمدن دولت صفوی، مراسم عاشورا شدت یافت و متونی تازه در این زمینه تألیف شد. این وضعیت همچنان در تزايد بود و تا انتهای دوره قاجار با قوت تمام ادامه داشت و هر سال تألیف یا تألیفاتی در این زمینه -از نثر و نظم- بر میراث پیشین افزوده می‌شد. متأسفانه در این دوره دقت تاریخی وجود ندارد و همان گونه که گذشت، از مصادر دقیق استفاده نشده است. آنچه از لحاظ بینشی در مقتل نویسیهای این دوره وجود دارد آن که عمدتاً از زاویه آندوه و غم و مصیبت و ابتلا به قضیه نگاه شده و کوشیده شده تا پیش از آن که متنی تاریخی در اختیار بگذارد، متنی حزن آور، آن هم به قصد روضه خوانی، تهیه کند. غالب این آثار به شماره، برای مجالس سوگواری تألیف شده و هدف عمده‌اش فراهم کردن زمینه برای گریه بوده است. در اینجا نمونه‌هایی از این کتابها را که از دوره صفوی به بعد تألیف شده و عمده آنها از دوره قاجاری است، نقل می‌کنیم:

ابتلاء الاولیاء (استوری، ۹۹۳)

ازالة الاوهام فی البكاء (ذریعه، ۶۱/۱۱)

۶۸. استوری، ص ۸۶۵.

اکسیر العبادة فی اسرار الشهادة از ملا آقا دریندی (استوری، ۹۸۶)

امواج البكاء (استوری، ۹۷۹؛ مرعشی، ۷۱۶۵)

بحر البكاء فی مصائب المعصومین (ذریعه، ۸۴/۲۶)

بحر الحزن (استوری، ۹۹۰)

بحر الدموع (مرعشی، ۲۵۹۲)

بحر غم (استوری، ۹۶۴)

بستان ماتم (استوری، ۱۰۰۱)

بکاء العین (مرعشی، ۶۵۸۲)

بلاء و ابتلاء در رویداد کربلا (استوری، ۹۶۰)

بیت الاحزان (استوری، ۹۷۶)

خلاصة المصائب (استوری، ۱۰۱۷)

داستان غم (استوری، ۹۶۴؛ مرعشی، ۲۹۱۶)

دمع العین علی خصائص الحسین (استوری، ۹۹۵)

الدمعة الساکبة فی المصیبة الراهبة (الذریعه، ۲۶۴/۸)

ریاض البکاء (ذریعه، ۶/۱)

روضه حسینیّه (استوری، ۹۵۱؛ مرعشی، ۶۵۴۵، ۶۲۲۴)

روضه الخواص (مرعشی، ۳۰۰۱)

روضه الشهداء یزدی (مرعشی، ۱۵۶)

ریاض الاحزان (استوری، ۹۷۲)

ریاض الاحزان (فهرست مسجد اعظم، ص ۲۱۵)

ریاض الشهادة فی ذکر مصائب السادة (استوری، ۹۵۸)

سر الاسرار فی مصیبة ابي الائمة الاطهار (استوری، ۹۹۶)

طریق البکاء (ذریعه ۱۶۴/۱۵)

طوفان البکاء (استوری، ۹۶۷)

عمان البکاء (استوری، ۹۸۲)

عین البکاء (استوری، ۹۴۱)

عین الدموع (مرعشی، ۴۴۰)

فیض الدموع (استوری، ۹۸۸)

قبات الاحزان (استوری، ۹۸۹)

کنز الباکین (استوری، ۴۵۵۰)

کنز المحن (استوری، ۹۹۱)

کنز المصائب (استوری، ۹۶۹، ۹۸۷)

لب عین البکاء (استوری، ۹۴۲)

لسان الذاکرین (استوری، ۹۷۰)

مانمکده (استوری، ۹۶۳، ۹۷۵)

مبکی المیون (مرعشی، ۵۰۰۶)

مجالس المفجعة (استوری، ۹۴۵)

مجری البکاء (ذریعه، ۴۰/۲)

مجمع المصائب فی نوائب الاطائب (مرعشی، ۳۳۶۹، ۵۴۲۵)

(۶۶۴۳)

مجمع المصائب مازندرانی (مرعشی، ۶۵۷۲)

محرق القلوب (استوری، ۹۴۳)

محیط العزاء (استوری، ۹۴۵)

مخزن البکاء (مرعشی، ۱۶۴۵؛ استوری، ۹۶۹)

معدن البکاء فی مقتل سید الشهداء (مرعشی، ۳۰۱۷)

مفتاح البکاء فی مصیبة خامس آل عبا (مرعشی، ۲۳۶۳)

مفتاح البکاء (کتابخانه مطهری، ۹۲۱/۵)

مناهل البکاء (مرعشی، ۳۴۵۵)

منیع البکاء (ذریعه، ۳۵۸/۲۲)

مهیج الاحزان (استوری، ۹۵۹)

نجات العاصین (استوری، ۱۰۰۰)

نور العین فی جواز البکاء (ذریعه، ۳۷۲/۲۴)

وسيلة البکاء (مرعشی، ۵۵۱۰)

وسيلة النجاة (استوری، ۹۶۱)

یشوع الدموع (مرعشی، ۳۰۸۳)

دقت در اسامی این کتابها، نشانگر آن است که چند مفهوم کلیدی در آنها وجود دارد که عبارت است از بکاء، حزن، ابتلا، اشک و مصیبت. کربلا در این دوره، بیشتر از زاویه این مفاهیم مورد توجه قرار گرفته و همان گونه که اشاره شد، دید تاریخی در آنها کمتر مد نظر بوده است.

نکته دیگر در این آثار آن است که تعجب از شکست اصحاب امام حسین (ع) سبب شده است تا آمار کشته های دشمن رو به ازدیاد بگذارد. در این باره، نگاهی به اسرار الشهادة ملا آقا دریندی، ارقام نجومی را که با هیچ ملاک تاریخی قابل اثبات نیست نشان می دهد. این قبیل آثار بقدری دور از واقع بود که میرزا حسین نوری که خود عالمی اخباری بود و بخش اعظم روایات ضعیف را در مستدرک وسائل فراهم آورد، بر آن شد که با نوشتن کتاب لؤلؤ و مرجان به جنگ مقتل نویسان و مقتل خوانان برود.